# بیانات در دیدار کارگران به مناسبت روز کارگر - 10 /اردیبهشت/ 1396

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم ( 1)
والحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّةالله فی الارضین.

خیلی خوش‌آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مجموعه‌ی مرتبط با کار، کارگران، نخبگان کارگری، کارآفرینان، مسئولان دولتی ذی‌ربط، عید همه‌ی شما ان‌شاءالله مبارک باشد. میلاد مسعود سیّدالشّهداء ( سلام‌الله‌علیه) امسال مصادف است با همین ایّام مربوط به کار و کارگر ؛ این را به فال نیک بگیریم و ان‌شاءالله از روح مطهّر سیّدالشهداء ( سلام‌الله‌علیه) بهره‌مند بشویم برای یافتن راه و پیمودن راه تا بتوانیم به این مشکلاتی که هست پایان بدهیم. بنده راجع به مسئله‌ی کار و کارگر و مسائل حول‌وحوش این مسئله‌ی مهم، چند جمله عرض میکنم و چند جمله هم راجع به برخی مسائل دیگر ذی‌ربطی که مورد علاقه‌ی ما و شما است.

خوشبختانه عشق و ارادت ملّت ما به حضرت ابی‌عبدالله ( علیه‌السّلام) کاملاً مشخّص و بارز است ؛ هم در این ایّام به‌مناسبت میلاد ؛ هم به‌مناسبت شهادت، هم به‌مناسبت اربعین، مردم واقعاً اظهار ارادت میکنند به ساحت سیّدالشهداء ( علیه‌الصّلاةوالسّلام) ؛ این برای ما افتخار است ؛ برای ملّت ما این معرفت، این محبّت افتخار است.

خب در روز کارگر و مناسبت کارگر، هم باید به مسئله‌ی کارگر پرداخت -[یعنی] موضوع کارگر در کشور- هم باید به اصل مسئله‌ی اشتغال پرداخت که یک ضلع آن مربوط میشود به مسئله‌ی کار و کارگر ؛ چون مسئله‌ی اشتغال به‌معنای حقیقی کلمه یکی از معضلات کشور است که باید حل بشود.

در مورد مسئله‌ی کارگر ؛ خب، اهمّیّت کارگر را بارها و بارها، همه به زبانهای مختلف گفته‌اند. اگر یک کشور مایل است که اقتصاد پیشرفته‌ای داشته باشد، اقتصاد مستقلّی داشته باشد، رونق اقتصادی به‌معنای واقعی داشته باشد، باید به قشر کارگر اهمّیّت بدهد ؛ چون کارگر، ستون فقرات اقتصاد تولیدی و کاری در کشور است ؛ بلاشک این‌جور است. اینکه ما پرچم تولید ملّی را در این برهه‌ی اخیر به دست گرفته‌ایم و مدام تأکید میکنیم بر تولید ملّی، یک بخش عمده‌اش مربوط است به کارگران. ما اگر میخواهیم جامعه‌ی کارگری ما از امتیازات و حقوقی که شایسته‌ی او است برخوردار باشد، باید روی مسئله‌ی تولید ملّی تکیه بکنیم. اگر کارگر در جامعه دلگرم به کار شد و آن لوازم و الزاماتی که وجود دارد -که بنده قبلاً هم اشاره کرده‌ام، حالا هم یک مختصری عرض خواهم کرد- رعایت بشود، وضع اقتصاد کشور به سامان خواهد رسید. مشکل اقتصادی ما، مشکل لاینحلّی نیست ؛ مشکلی نیست که راه‌حل نداشته باشد ؛ گره‌ای نیست که بازنشدنی باشد. باید راه را درست پیدا کنیم، بعد هم همّت کنیم، تلاش کنیم ؛ مسئولان تلاش کنند.

یک کار عمده در این قضیّه همین رعایت و ملاحظه کردن و در نظر داشتن جامعه‌ی کارگری کشور است ؛ جامعه‌ی کارگری بایستی احساس تکریم بکند، احساس احترام بکند، احساس کند که قدر او دانسته میشود، قدر کار او دانسته میشود ؛ اگر این به‌وجود آمد، آن‌وقت خستگی از کار، بی‌حوصلگی نسبت به کار، بی‌اعتنائی نسبت به کار، دیگر وجود نخواهد داشت و کار، درست و صحیح انجام میگیرد. خب یکی از الزاماتی که وجود دارد این است که ما

فرهنگ کار را ترویج کنیم، اهمّیّت کار را ترویج کنیم. بله عدّه‌ای هستند که تشنه‌ی کارند و کار پیدا نمیکنند ؛ عدّه‌ای هم هستند که از بیکارگی بدشان نمی‌آید ؛ ما باید فرهنگ کار را، ارزش کار را، اهمّیّت کار را در جامعه رایج کنیم ؛ جوری باشد که در بینش عمومی مردم ما، کار، جای خودش را پیدا کند، جایگاه خودش را پیدا کند. این یکی از کارهای لازم است. و «کار» مهم است ؛ نوع کار، در درجه‌ی دوّم است. اینکه بگوییم من این کار را نمیخواهم، آن کار باید به من داده بشود، این مسئله‌ی دوّم است. مسئله‌ی اوّل، نفْس علاقه‌ی به کار و اشتیاق به کار است ؛ این بایستی در جامعه ترویج پیدا کند و کار [به‌عنوان] ارزش شناخته بشود ؛ کارگر وقتی میگوید «من کارگرم»، احساس افتخار کند، احساس حقارت نکند ؛ کمااینکه واقع قضیّه هم همین است، اگر ما همه‌ی ثروتهای دنیا را هم یک جا جمع کنیم، همه‌ی پول‌دارهای عالم هم بیایند یک جا جمع بشوند، [امّا] کارگری برای کار نباشد، بی‌فایده است ؛ کارگر، ستون فقرات اقتصاد و ستون فقرات تولید است. البتّه من بارها گفته‌ام که هر بخشی سهمی دارد ؛ کارآفرین و کارفرما و کارگر و مدیر دولتی هرکدام سهمی دارند ؛ این عناصر گوناگون که با هم همکاری بکنند، کار در اوج زیبایی و خوبی و کمال انجام میگیرد ؛ این معلوم است، باید همه با هم همکاری کنند ؛ امّا نقش کارگر را به‌عنوان محور حرکتِ کار و فعّالیّت و اشتغال در کشور، بایستی [به‌عنوان] ارزش معرّفی کرد که مایه‌ی سربلندی باشد. اگر از یک کسی [مثلاً] از یک جوانی بپرسند پدرت چه‌کاره است؟ با افتخار بگوید کارگر است ؛ کمااینکه با افتخار میگفت مثلاً مدیر است ؛ این یک گام بسیار مهم است. امنیّت شغلی یکی از الزامات است ؛ که این مربوط است به مسئولین دولتی. امنیّت شغلی کارگرها خیلی مهم است. تأمین معیشت کارگران خیلی مهم است. کلمه کلمه‌ی همین مطالبی که آقای وزیر بیان کردند، باید دنبال بشود ؛ بایستی کار انجام بگیرد برای هرکدام از اینها. حرکت باید انجام بگیرد ؛ [باید] همه احساس مسئولیّت بکنند تا این حقایق تحقق پیدا کند. بنابراین همه مسئولند ؛ هم دولت مسئول است، هم کارفرما مسئول است، هم کارگر مسئول است، هم کارآفرین مسئول است ؛ همه در حدّی مسئولیّت دارند. اگر مسئولیّتها انجام بگیرد، کار، درست انجام خواهد شد.

حالا این [مطلبی] که بنده دارم عرض میکنم، به‌عنوان موعظه نیست ؛ نه اینکه ما داریم حالا موعظه میکنیم، نصیحت میکنیم، [بلکه] این حرف زدن و این گفتن، برای این است که یک تفکر عمومی به وجود بیاید، یک خواست عمومی به وجود بیاید و همه بخواهند که این مقاصد تحقق پیدا بکند. این اسم سال که گذاشته میشود، عنوان «اقتصاد مقاومتی» که تکرار میشود، برای این است که این خواست عمومی، در دلها، در زبانها، در عملها خودش را نشان بدهد و همه به این سمت حرکت بکنند. وقتی یک چیزی به‌صورت یک گفتمان عمومی درآمد و خواستِ عمومی شد، طبعاً تحقق پیدا میکند ؛ یعنی مسئولین هم در همان جهت حرکت میکنند.

خب، یک نکته هم اینجا وجود دارد که ما آن را نباید فراموش کنیم که واقعاً نظام جمهوری اسلامی در این جهت باید خیلی سپاسگزار جامعه‌ی کارگری باشد. شما میدانید، جامعه‌ی کارگری در مسائل سیاسی و اجتماعی نقش‌آفرین است ؛ در دنیا این‌جور است. اعتصاب کارگرها در فلان کارخانه یا فلان دستگاه یا فرض کنید دستگاه‌های گوناگون، ضربه‌های مهمّ اقتصادی و سیاسی به دولتها وارد میکند. از روز اوّلی که این انقلاب به پیروزی رسید، دشمنان سعی کردند از این حربه علیه جمهوری اسلامی استفاده کنند ؛ از روز اوّل سعی کردند کارگرها را به یک شکلی وادار کنند که تأثیر سیاسی منفی روی نظام جمهوری اسلامی بگذارند. و همیشه کارگر، جانب جمهوری اسلامی را گرفته، جانب نظام را گرفته و از نظام حمایت کرده است. جامعه‌ی کارگری ما درواقع در این سی و چند سال به دشمنان نظام اسلامی سیلی زده است! جمهوری اسلامی و همه‌ی دست‌اندرکاران باید سپاسگزار جامعه‌ی کارگری باشند ؛ بعد از این هم به فضل الهی همین‌جور خواهد بود. جامعه‌ی کارگری ما جامعه‌ی متدیّنی است ؛ با همه‌ی

تلاشی که دشمن میکند، طبق وظیفه‌ی الهی و اسلامی خودش حرکت میکند و عمل میکند و قهراً در کنار نظام، برای نظام و در خدمت نظام است ؛ خب این را بایستی همه قدر بدانند.

من مسئله‌ی اشتغال را هم مطرح کنم. مسئله‌ی اشتغال یک مسئله‌ی وسیع‌تری از مسئله‌ی کارگری است. اشتغال مسئله‌ی مهمّی برای کشور است. هر مسئولی -حالا دوره‌ی انتخابات است و [بعد] یک چند جمله هم راجع به انتخابات عرض خواهیم کرد- و هر کسی که مسئول کشور یا مسئول دولت یا مسئول بخشهای اقتصادی دولت در دولت آینده بشود، بایستی از روز اوّل، همّت خود را بگمارد به مسئله‌ی اشتغال. اینها چیزهایی نیست که انسان جایز بداند که در اینها تأخیر بکند، باید از همان روز اوّل به مسئله‌ی اشتغال بپردازند. اگر اشتغال را مسئولین ما توانستند در داخل کشور به شکل مناسب تأمین بکنند، آسیب‌های اجتماعی هم کم خواهد شد، مشکلات گوناگون جوانها [هم] کم خواهد شد، آفتهای فراوانی که وجود دارد و ناشی از بیکاری و بیکارگی است [هم] کم خواهد شد. این‌همه که ما هزینه میکنیم برای مواجهه‌ی با موادّ مخدّر و قاچاق موادّ مخدّر و امثال اینها، بخشی از اینها ناشی از وجود بیکاری، وجود بیکاران و نبود اشتغال است. مسئله‌ی اشتغال خیلی مهم است! در درجه‌ی اوّل است.

و عرض کردیم، بین اشتغال و تولید ملّی ارتباط وجود دارد. اگر ما بخواهیم اشتغال در کشور به وجود بیاید، باید به تولید ملّی -تولیدِ به‌معنای عامّ کلمه ؛ تولید صنعتی، تولید کشاورزی، تولید خدمات- اهمّیّت بدهیم ؛ همه‌ی اینها بایستی مورد توجّه قرار بگیرد و برای اینها برنامه‌ریزی بشود. اینها چیزهایی نیست که جایز باشد ما اینها را تأخیر بیندازیم، باید در اوّلین فرصتها مسئولین ذی‌ربط -هرکه مسئول است و مسئول خواهد بود- به این مسئله بپردازد. بنابراین، این مسائل، جزو مسائل اولویّت‌دار و درجه‌ی اوّل نظام است.

راجع به انتخابات دو سه جمله من عرض کنم. خب بحمدالله فضای انتخابات در کشور در حال گرم شدن است و این چیز خیلی مهم و چیز خیلی لازمی است ؛ به این نبایستی بی‌اعتنائی کرد. مسئله‌ی انتخابات خیلی مهم است. یک حرف با مردم داریم، یک حرف با مسئولین داریم، یک حرف هم با نامزدها داریم.

عمده‌ی حرف بنده با مردم است. مردم عزیز ما باید بدانند که حضور آنها در عرصه‌های مختلف، تعیین‌کننده است. تعیین‌کننده‌ی چه؟ تعیین‌کننده‌ی امنیّت ملّی. اگر مردم در صحنه حضور داشته باشند، کشور در امنیّت باقی خواهد ماند. اینکه شما می‌بینید دشمنهای پُررو و وقیح و گردن‌کلفت در مقابل جمهوری اسلامی از هر عمل سختی اجتناب میکنند، به‌خاطر حضور مردم است ؛ میترسند، به‌معنای واقعی کلمه میترسند ؛ اینها تحلیل نیست، اینکه عرض میکنم، واقعیّاتی است که مستندهای آنها جزو مسلّمات است. وقتی ملّت حضور پیدا میکند، دشمنی که میخواهد با این نظام مبارزه بکند، مجبور میشود عقب بنشیند و تعرّض نکند ؛ وقتی بین ملّت و نظام فاصله ایجاد شد و ملّت در صحنه حضور پیدا نکرد ؛ آن‌وقت میتوانند هر کاری انجام بدهند ؛ خیلی سخت هم نیست برایشان، همه‌جور میتوانند اقدام بکنند، کمااینکه در جاهای مختلف دنیا کرده‌اند. در ایران اسلامی دشمن نتوانسته کار کند، به‌خاطر حضور مردم ؛ ( ۲) دشمنها به‌خاطر حضور مردم بوده است که نتوانسته‌اند تعرّض کنند. گاهی می‌شنویم و در گذشته شنفته‌ایم که بعضی‌ها فرض کنید گفته‌اند «ما که آمدیم مسئولیّت پیدا کردیم، توانستیم سایه‌ی جنگ را از سر کشور [برداریم]» ؛ نه، این حرفها، حرفهای درستی نیست ؛ از بنده بشنوید، آنچه سایه‌ی جنگ را، سایه‌ی تعرّض دشمن را در طول این سالهای متمادی از سر این کشور رفع کرده، حضور مردم بوده است.

خب، این حضور چه‌جوری نشان داده میشود؟ مهم‌ترین مظهر این حضور، انتخابات است ؛ عرض من به مردم این است. من به مردم نمیگویم فلان‌کس را انتخاب بکنید، فلان‌کس را انتخاب نکنید ؛ این را هرگز به مردم نخواهم گفت، امّا به مردم عرض میکنم و اصرار میکنم که حتماً در پای صندوق رأی حاضر بشوید و رأی بدهید، به هر کسی که تشخیص میدهید ؛ این باید اتّفاق بیفتد. هر کس کشور را دوست دارد، هر کس نظام را دوست دارد، هر کس امنیّت را دوست دارد -از آحاد مردم- باید بیاید وارد میدان انتخابات بشود، بیاید پای صندوق ؛ شرّ دشمن را این کم میکند.

آن کسانی که با مردم خودشان قهرند، میخواهند نمایش طرف‌داریِ مردم [از خودشان] را در مقابل دیدگان قدرتها بگذارند که البتّه اثر هم نمیکند. مردم با ما خوبند، مردم با نظام همراهند، مردم دلبسته‌ی نظامند، مردم پابه‌پای این نظام در طول این قریب چهل سال، سختی‌هایی را تحمّل کرده‌اند، راه‌های دشواری را آمده‌اند، کمکهای حیاتی‌ای به نظام جمهوری اسلامی کرده‌اند. این پیشرفتی که ما داریم، این اقتداری که امروز جمهوری اسلامی دارد، این نفوذی که در منطقه دارد، به‌خاطر حضور مردم بوده است، به‌خاطر کمک مردم بوده است.

شما ببینید ؛ یک جوان شما که در یک نقطه‌ای به شهادت میرسد -من با دقّت دنبال کردم این مسئله را- فرق نمیکند اهل کدام شهر است، در کدام استان است، در کدام قسمت کشور است ؛ آن‌چنان مردم با شور و با شوق نسبت به یک‌چنین عناصری استقبال نشان میدهند و اظهار جانب‌داری میکنند که انسان متحیّر میماند. این به‌خاطر چیست؟ حرکت نظام، جهت‌گیری نظام برای مردم مطلوب است ؛ میدانند که نظام جمهوری اسلامی برای عزّت آنها دارد تلاش میکند، برای امنیّت آنها دارد تلاش میکند، برای پیشرفت آنها دارد تلاش میکند. نظام جمهوری اسلامی دستِ دشمن را از این کشور قطع کرده است ؛ این کار کوچکی نیست ؛ این خیلی کار بزرگی است. شما ببینید ؛ کشورهای نفت‌خیز، نفتشان، درآمدشان، ثروتشان، در اختیار بیگانگان است ؛ بیگانه را راه میدهند برای اینکه بتوانند چند صباحی سر قدرت بمانند و لذّت ببرند ؛ در رژیم طاغوت، در کشور ما هم همین‌جور بود. چندین هزار آمریکایی در این کشور از مال این ملّت پول میگرفتند و اینجا تحکّم میکردند و به مسئولین این کشور -از پایین تا بالا- زور میگفتند ؛ جاهای دیگر [هم] این‌جوری است. جمهوری اسلامی آمد دست دشمن را قطع کرد ؛ محدودیّتهایی را که دشمن برای کشور ایجاد کرده بود، از بین برد ؛ به حرکت درآورد کشور را. امروز ایران یک کشور درحال پیشرفتِ سریع است ؛ یک کشور آبرومند است ؛ یک کشور قدرتمند است. اینها خیلی اهمّیّت دارد ؛ مردم اینها را میدانند، لذا در کنار نظامند. من عرض میکنم، مظهر همراهی مردم با نظام جمهوری اسلامی، حضور در پای صندوق رأی است ؛ اساس حرف ما در مورد انتخابات این است.

مطلب دیگری که به مردم میخواهم عرض بکنم این است که مردم سرسری به مسئله‌ی انتخابات نگاه نکنند ؛ رأی را از روی فکر و از روی تأمّل بدهند ؛ فکر کنند. وقتی ما بر اساس یک منطقی فکر کردیم، یک انتخابی کردیم و رأی‌مان را بر اساس آن انتخاب تنظیم کردیم، پیش خدای متعال معذوریم ؛ ممکن هم هست اشتباه کنیم، [ولی] باز پیش خدای متعال معذوریم. اگر بی‌ملاحظه، بی‌دقّت، بی‌تفکر عمل کردیم، پیش خدا که مسئولیم هیچ، پیش خودمان هم مسئولیم ؛ بعد خواهیم گفت که عجب، دیدید ما روی این مسئله درست فکر نکردیم! یعنی خودمان هم خودمان را محکوم میکنیم ؛ امّا وقتی شما فکر کردید، مطالعه کردید، مشورت کردید و بر اساس یک فکری یک انتخابی کردید، خدای متعال از شما راضی است برای اینکه کار خودت را انجام داده‌ای ؛ وجدانت هم از تو راضی است ؛ میگوید «خب، من کار خودم را انجام دادم ؛ به‌فرض به خطا هم رفته باشم و اشتباه هم کرده باشم، خب اشتباه برای همه

پیش می‌آید ؛ امّا من کار خودم را کرده‌ام». این هم عرض دیگر ما به مردم.

یک عرض هم به نامزدهای محترم داریم ؛ حالا شش نفر از آقایان محترم، نامزدها هستند. اوّلاً من به نامزدهای محترم عرض میکنم نیّتهایتان را خدایی کنید ؛ برای قدرت نباشد، برای خدمت باشد. اگر کسی برای خدمت به مردم، بخصوص خدمت به طبقات ضعیف، وارد میدان مبارزه بشود، هر حرکت او، هر کلمه‌ی او، هر حرف او حسنه است، پیش خدای متعال اجر دارد. با این نیّت وارد بشوید ؛ با نیّت خدمت. این حرف اوّل.

مطلب دوّم اینکه شعارها را جوری انتخاب کنید که همه بدانند شما میخواهید از قشرهای ضعیف کشور و طبقات ضعیف کشور حمایت کنید، مشکلِ [مردم] مشکل‌دار را میخواهید برطرف کنید. ما یک پیکره‌ای هستیم ؛ جامعه مثل پیکر یک انسان است ؛ ببینیم کجایمان ضعیف است، به کجا خون نمیرسد، کجا محتاج رعایت بیشتر است، به آن برسیم ؛ نه اینکه به بقیّه‌ی جاهای بدن بی‌اعتنائی کنیم ؛ نه، امّا اولویّت را این [بخش] قرار بدهیم. بنده در دولتهای مختلف، گاهی اوقات اعتراضهای سختی داشتم به مسئولین گوناگون. حالا ما این اعتراضها را معمولاً جلوی مردم و در مظهر افکار عمومی نمی‌آوریم ؛ چون مردم از دعوا و اوقات‌تلخی و مانند اینها خیلی خوششان نمی‌آید، فایده‌ای هم ندارد ؛ امّا با خود مسئولین کشور بنده گاهی اوقات، اوقات‌تلخی‌های زیادی داشتم. یکی از موارد زیاد اوقات‌تلخی، همین بوده که چرا این اولویّتها را رعایت نمیکنید. اولویّت چیست؟ در بخشهای مختلف -خب کشور بخشهای اقتصادی دارد، بخشهای فرهنگی دارد، بخشهای گوناگون سیاسی، علمی و غیره- در هر بخشی یک اولویّتی وجود دارد ؛ آن را باید رعایت کرد، آن را باید دنبال کرد، آن را باید جلو انداخت. این آقایانی که امروز نامزد انتخاباتند، تصمیم بگیرند و بین خودشان و خدای متعال عهد کنند که اگر از طرف مردم مقبول شدند و رأی آوردند، اولویّتها را رعایت کنند ؛ آنجایی را که بیشتر نیاز به مراقبت دارد، بیشتر مورد توجّه قرار بدهند ؛ برنامه‌ها را آن‌جور [دنبال کنند].

این را هم همه بدانند، خود نامزدهای محترم هم بدانند که ما جز با کار جهادی و کار انقلابی نخواهیم توانست این کشور را به سامان برسانیم. در همه‌ی بخشها، کمربسته بودنِ مثل یک جهادگر لازم است ؛ این اگر بود، کارها راه می‌افتد ؛ این اگر بود، بن‌بست‌ها باز میشود، شکافته میشود ؛ [یعنی] کار فراوان، پُرحجم و باکیفیّت و مجاهدانه و انقلابی. انقلابی یعنی چه؟ بعضی خیال میکنند وقتی میگوییم انقلابی، یعنی بی‌نظم ؛ نخیر، اتّفاقاً یکی از خطوط اصلی انقلابی‌گری، نظم است ؛ منتها انقلابی، یعنی اینکه خودمان را سرگرم کارهای حاشیه‌ای و تشریفاتی و زرق‌وبرقی و مانند اینها نکنیم ؛ کار انقلابی یعنی برای یک مجوّز [راه‌ها را کوتاه کنند]. عدّه‌ای از این کارآفرینان بااخلاص و متدیّن، چندی پیش آمدند با ما ملاقات کردند و گفتند که برای مجوّز یک چیز کوچک -که حالا اسم آوردند و بنده نمیخواهم جزئیّات را بیان کنم- باید انسان از مثلاً ۲۰ یا ۲۵ جا مجوّز بگیرد ؛ اینها کار غیر انقلابی است. کار انقلابی یعنی آن کسانی که ضوابط را تعیین میکنند، بیایند راه‌ها را کوتاه کنند ؛ راه‌های میان‌بُر بگذارند جلوی پای مردم، جلوی پای کارآفرین، جلوی پای کسی که میخواهد خدمت بکند ؛ کارهای لازم اینها است، [مسئولین] دامن همّت به کمر بزنند و واقعاً کار کنند.

یک سفارش دیگر هم مربوط به مسئولان دولتی است که انتخابات را برعهده دارند ؛ چه در وزارت کشور، چه در شورای نگهبان، چه در تبلیغات -که در صدا و سیما است و جاهای دیگر- چه در بخشهای مختلفی که حالا ان‌شاءالله در روز رأی‌گیری رأی خواهند گرفت، امانت مردم را حفظ کنند ؛ این آراء مردم، این حضور مردم، امانت مردم است. این امانت را در نهایتِ احتیاط حفظ کنند و نگه دارند ؛ مبادا خدای‌نکرده کسانی بتوانند به این امانت دست‌درازی کنند.

قانون را به‌طور دقیق رعایت کنند ؛ در قبال هیچ‌کس نسبت به قانون رودربایستی و مانند این حرفها نداشته باشند. قانون، قانون است ؛ برای همه است ؛ هیچ استثنائی در مورد قانون وجود ندارد. قانون را رعایت کنند تا ان‌شاءالله یک کار درست، صحیح و مطلوب و مرضیّ حقّ متعال انجام بگیرد. و مکرّر من عرض کرده‌ام باز هم تکرار میکنم که رأی مردم حقّ‌الناس است ؛ اگر کسی [به آن] تعرّض کند، تعرّض به حقّ‌الناس کرده است که از عهده‌ی حقّ‌الناس برآمدن، کار بسیار مشکلی است.

پروردگارا! به حقّ محمّد و آل محمّد ما را بر آنچه میگوییم و میخواهیم، توانا و قادر بفرما ؛ روح مطهّر امام بزرگوار و ارواح طیّبه‌ی شهدا را از ما راضی کن ؛ قلب مقدّس ولیّ‌عصر ( ارواحنا فداه) را از ما راضی و خشنود کن.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار -که در سالروز ولادت حضرت سیّدالشّهداء ( علیه‌السّلام) و به مناسبت روز کارگر برگزار شد- آقای علی ربیعی ( وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) مطالبی بیان کرد.
۲) معظّم‌له در پاسخ به شعار «ای رهبر آزاده آماده‌ایم آماده» برخی از حضّار، فرمودند: «صبر کنید، اجازه بدهید، ان‌شاءالله که این آمادگی همیشه وجود داشته باشد و در همه‌جا وجود داشته باشد ؛ فعلاً آماده‌ی شنیدن عرایض من باشید.»